

متن پیاده سازی شده جلسه پنجم تفسیر قرآن کریم 25 آبان ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحثی که در جلسات قبل گذشت پیام کلی سوره بود. آنچه به عنوان پیام سوره تلقی شد بحث تربیت براساس حکمت است. یعنی چینش آیات اینگونه است که با الرحمن الرحیم شروع می شود بعد با الحمد لله رب العالمین پای تربیت باز می شود و دوباره الرحمن الرحیم می آید و سپس مالک يوم الدين به عنوان ضلع دیگر تربیت می آید. البته در آیات بعدی از هادین، ضالین و مغضوب علیهم سخن می گوید. مجموعه آیات سوره این را می-رساند که تربیت الهی براساس حکمت است. در جلسات گذشته رحمت و حکمت می گفتیم، بعد این بیان را بازسازی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که غیر از حکمت چیز دیگری نگوئیم. در حکمت عفو، رحمت و شفقت نهفته است و عذاب و مؤاخذه هم دارد؛ پس بهتر است بگوئیم تربیت براساس حکمت است. بر همین اساس یک مشکل را حل کردیم یعنی عقاب خداوند در دنیا و آخرت. در دنیا که عقاب عین رحمت است؛ اینجا بابتی باز می شود که اصلا اجرای حدود رحمت است. گفتمان مسلمانان صدر اسلام طهرنی بود لذا عذاب الهی در دنیا رحمت است حتی عذاب های تکوینی هم رحمت است مثل اینکه می گویند تب یک شب موجب آمرزیدن یک سال گناه می شود یا هر مشکلی که انسان در دنیا ببیند مغفرت و بخشش گناه است یا ترفیع مقام می گیرد ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ یعنی چون صبر کردند جعلنا منهم أئمة یا وقتی حضرت ابراهیم امتحان می شود و یک سری مصیبت ها را درک می کند به مقام رسالت می رسد.

در آخرت حکمت اقتضا می کند که با عذاب شدن آمرزیده می شود. خب این بیانات در جایی است که شبهه می-کنند هدف خداوند فقط ترساندن است و عذابی در کار نیست ولی با اصل حکمت این گونه شبهات پاسخ داده می شود. در برخی از فرمایشات حضرات معصومینعلیهم السلام یک نوع همسویی با انکار عذاب دیده می شود ولو برای برخی ها، این فرمایشات با حکمت چگونه جمع می شود؟ خیام یک شعری می گوید یا یک عارف شعری می گوید مثلاً می گویند: جایی که تو هستی عذاب نیست، جایی که عذاب باشد تو نیستی پس تو کجا هستی، همه جا هستی پس عذاب نباید باشد. اگر دقت کنید شاعر قیاس استثنائی درست می کند که از پس شاعر می توان برآمد ولی وقتی پای حرف ائمه است کار سخت می شود. در دعای ابوحمزه ثمالی می خوانیم: اَللّٰهُمَّ اِنِّ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُوْرٌ عَدُوْكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُوْرٌ نَّبِيْكَ وَاَنَا وَ اَللّٰهُ اَعْلَمُ اَنَّ سُرُوْرَ نَّبِيْكَ اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ سُرُوْرٍ عَدُوْكَ . امام سجاده علیه السلام می فرمایند: خدایا اگر من بنده را داخل آتش بکنی این جز شادی ابلیس چیزی ندارد و اگر داخل بهشت بکنی پیامبر شاد می شود و بنده هم یقین دارم که تو شادی پیامبر را بر شادی ابلیس ترجیح می دهی.. این بیانات امام سجاده علیه السلام است که هر کسی برداشتی از این بیانات دارد. برهان جزء آداب دعا نیست ولی شبه برهان از آداب دعا است، دور از شأن امام سجاد، در دعا آدم گاهی خودش را لوس هم می کند و اشکالی هم ندارد که در مقام دعا انسان اینگونه سخن بگوید پس این فرمایش امام سجاد علیه السلام برهان نما است. عقوبت گاهی بخشی از حکمت الهی است حتی گاهی عقوبت خوبان؛ حالا اگر خداوند نسبت به آن خطا عفو نکند و شخص را مورد مؤاخذه قرار دهد این مقتضای حکمت است. اگر اقتضای حکمت باشد که است، هر کس می خواهد شاد باشد و هر کس می خواهد ناراحت شود. ببینید رسول خدا دوست دارند که همه وارد بهشت شوند ولی شاید حکمت اقتضا نکند که زید بن موسی بن جعفر هم وارد بهشت شود. این را امام در قالب برهان بیان نمی کنند که اگر برهانی بود جواب هم داشت؛ بعد هم آدم از کجا احراز کند که اگر یک مسلمان خاطی عقاب شود این موجب ناراحتی پیامبر است که می گوئیم پیامبر نسبت به این مساله لا بشرط

است.

ممکن است مقدار عذاب و نوع عذاب را نفهمیم ولی اصل عذاب شاخه ای از حکمتی است که تربیت براساس آن است. اما مقدار عذاب و اینها سوالاتی را در پی دارد مثل خلود در عذاب که کفار چگونه خالد در عذاب می شوند. در طول تاریخ به این سوالات جواب داده شده است و به سال های خیلی قبل برمی گردد.

آیات سوره

اولین آیه در سوره حمد بسم الله الرحمن الرحيم است و فرق بسم الله سوره حمد با سایر سوره ها در این است که بسم الله در این سوره جزء سوره است و آیه می باشد ولی در سایر سوره ها اگر بسم الله جزو سوره هم باشد بهرحال آیه نیست. ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ در مورد باء بسم الله حرف و حدیث بسیار است. مفسرین یک روایتی دارند که ابن عباس خدمت امیرالمومنین علیه السلام آمد و از تفسیر قرآن پرسید. حضرت فرمود بنشین و از تفسیر باء بسم الله عبور نکردند. ابن عباس کسی نیست که قصه بگوئی و او گوش دهد باید با مطلب سر ایشان را گرم کرد. تازه حضرت به اندازه ظرفیت ابن عباس مطلب فرموده اند و حال فرض کنید ظرف، ظرفیت امام باقر یا امام صادق علیهم السلام باشند. حافظ می گوید: من که ره بردم به گنج حُسن بی پایان دوست صد گدایِ همچو خود را بعد از این قارون کنم

تفسیر ادبی باء

باء بسم الله چه نوع باء است و متعلق به باء چیست؟ باء می تواند الصاق باشد، می تواند سببیت باشد، می تواند مصاحبت به معنای مع باشد و می تواند استعانت باشد.

باء : الصاق، سببیت، مصاحبت به معنای مع، استعانت

از 14 معنایی که باء دارد 4 مورد را در مورد باء بسم الله آورده اند. معروف ترین آنها شاید استعانت باشد و لذا متعلق به هم استعین است. پس بسم الله الرحمن الرحيم یعنی استعین بسم الله الرحمن الرحيم (کمک می گیریم به اسم خدای متعال). در کتب ادبیات و تجزیه و ترکیب مثل محی الدین درویش، محمود صافی، املاء ما من به الرحمان، آقای طبرسی در مجمع البیان، آقای زمخشری در کشاف آورده اند. پس هم نوع باء و هم متعلق به باء را مشخص کرده اند. یا تبرک بسم الله الرحمن الرحيم (تبرک می جویم به اسم خدا) در اینصورت بگوئیم مصاحبت است یا بگوئیم الصاق است؟

یک روایتی از امام عسکری علیه السلام داریم که مرحوم بحرانی در البرهان آورده اند: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»: فَقَالَ: اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلُّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ دُونَهُ وَتُقَطَّعُ الْأَسْبَابُ مِنْ جَمِيعٍ مَنْ سِوَاهُ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ أَيُّ اسْتَعِينُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا بِاللَّهِ الَّذِي لَا تُحَقُّ الْعِبَادَةُ إِلَّا لَهُ، الْمُغِيثُ إِذَا اسْتُعِيتَ وَالْمُجِيبُ إِذَا دُعِيَ إِمَامٌ فِي أَيْنِجَا بِسْمِ اللَّهِ رَأَى بِهِ خُودَ خُودِ تَفْسِيرِ كَرْدِ أَنْدِ. فِي بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِاللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَمِي كُوَيْمِ؛ حَالِ چَرَا إِمَامِ اسْمِ رَا حَذْفِ كَرْدِ أَنْدِ وَ بِاللَّهِ كَفْتِه أَنْدِ. مَا وَقْتِي كَمَكِ مِي كُوَيْمِ از خُودِ خُودِ كَمَكِ مِي كُوَيْمِ، بِه اسْمِ خُودِ اسْتِ، أَمَا إِنْ كَرْدِ اسْتَعِينِ بِه اسْمِ خُودِ خُودِ اسْتِ نَه بِه اسْمِ خُودِ، لَذَا إِمَامِ عَسْكَرِي اسْمِ رَا حَذْفِ مِي كَنْدِ. إِنْ كَرْدِ حَذْفِ شُدِه چَرَا آمَدِه اسْتِ چَرَا بَعْدِ بَحْثِ بَاءِ بِه إِنْ هَمِ مِي پَرْدَا زِيمِ.

دو مقدمه

1. در سلسبیل گفتیم که وقتی می خواهیم در مورد باء بسم الله تصمیم بگیریم، باید ببینیم آیا بسم الله ای را که خدا می فرماید تجزیه می کنیم یا بسم الله ای که خودمان به زبان جاری می کنیم؛ یعنی بسم الله ای که قول خداوند است و اگر من هم بسم الله می گویم به اعتبار قول خداوند می گویم مانند خواندن قرآن یا بسم الله ای که به اعتبار قول خودم می گویم مانند انکاری به زبان جاری می سازیم. این دو چه فرقی باهم دارند؟

2. آیا بسم الله های قرآن جزء قرآن هستند یا نیستند؟ شیعه و کثیری از اهل سنت گفته اند که بسم الله جزء قرآن است ولی این قول مخالفینی هم دارند. در یک روایت داریم که اکرم آیات خدا را از قرآن زدیدند. عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَرَقُوا أَكْرَمَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اگر می خواهیم بسم الله غیر قول خداوند را تجزیه و ترکیب کنیم مثل بسم الله شیخ انصاری در اول مکاسب، یا بسم الله شروع درس تفسیر، اگر بخواهیم اینها را تجزیه و ترکیب کنیم، اینها به قصد متکلم بستگی دارد، اگر به عنوان کمک می خواهیم بگویم

می تواند استعینُ باشد و باء هم باء استعانت باشد، یا مثلاً تبرک باشد مثل شروع نامه ها یا بسم الله به عنوان ابدأ باشد، پس در این گونه مثال ها قصد متکلم مراد است و به همین مناسبت یک متعلق هم مقدر می گیرند. ما در اینجا بسم الله سوره حمد را تجزیه و ترکیب می کنیم. اینجا غفلت نکنیم که باء را استعانت گرفته و بگوئیم متعلق استعین است یعنی خداوند می گوید استعین بسم الله الرحمن الرحیم یا اتبرک بسم الله الرحمن الرحیم؟! بسم الله قول خداوند است و جزء سوره است.

دوست داشتم مراد خودم را بیان کنم ولی باید روی کلمه اسم هم بحث شود که مراد از اسم چیست؟ کلمه اسم زائد است یا غیر زائد است؟ اگر اسم غیر زائد است، اضافه آن به کلمه الله بیانیه است مثل بسم هو الله یا اضافه لامیه است اسم الله؟

نکته: تصمیم گیری در مورد باء بسم الله قرآن متوقف بر سه چیز است؟

1. جدا کردن بسم الله خداوندی از بسم الله غیر خداوندی.

2. بسم الله قرآنی را جزء قرآن دانستن.

3. اضافه چیست؟

فایل pdf [کلیک کنید](#)